نخواهد بود پس آن طفل شهید بسوی خیمه برد و مادرش گفت بگیر این طفل را که از حوض کوثر
سیراب شد مادرش فریاد برآورد و میگفت سر این طفل نازپرورم ندیده باز کن و دستی بر از
جانب ما دور دار آن کن پس فریاد از اهل بیت برخواست حضرت امام مظلوم آن طفل
در میان سایر شهدا گذاشت پس حضرت امام حسین پرده کنیزان سرادق عصمت طلبید و
دختران و خواهران در بر کشید و هر یک بنوا بهای حق تعالی بخشید صدای شیون از خیمها
حرم بلند شد و صدای الوداع و ناله الفراغ الفراغ از زمین بآسمان میرسید پس سکینه
در بر گرفت و با خواهران خود زینب خاتون و ام کلثوم گفت سکینه امروز یتیم شود
نهار بعد از من با یک بر دو فرزند که دل یتیم پارک میباشد پس سکینه بطاقت شد
و مقنعه از سر کشید و گفت ای مادر بزرگوارش بمرگ در داده ما را بکه میگذاری امام حسین
بگریست و فرمود که ای نور دیده حسن کسیکه یاور من الله و یقینی که مرگ بخود راه میدهد پس
امام زین العابدین طلبید بعد و اسرار امامت بر او و وصیتها نمود و گفت ای جان پدر چون
چراغ عمر من بسر آمد مرا بر تخت برادر بسان و شکایت تشنگی مرا بدان حضرت عرض کن و محبت

حذفت السين مع حركتها فبقي الفاء بحالها مفتوحة والكسرة قلاقة
فلما حركة السين الى الميم بعد اسكانها وحذفت السين فقبل مست

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)